

فرهنگ و جغرافیای

کمره

○ نامه کمره (۲ جلد)
○ مرتضی فرهادی
○ انتشارات امیرکبیر
○ ۱۳۶۹

○ علیرضا قبادی

عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا

قنات و رودخانه، دام و سایر حیوانات جنگل، بیشه و قلمستان، مدرسه از جمله عناصری است که در ساختار توصیفی مناطق مورد توجه قرار گرفته است. بخش پایانی کتاب (جلد اول) به توصیف کوه‌های کمره اختصاص یافته است. این کوه‌ها تحت عناوین کوه‌های شمال شرقی تا غربی مثل کوه سرخ، سفیدار، کلکی بلاغی، آهودره، قره دینگه، حمیده خاتون، کلنگه، قزل داغ، شیرخانی، الوند لکان و کوه‌های شرقی مثل میان کوه غلاغه، زوره، حاجی غار و کوه‌های جنوب و جنوب غربی مانند الوند، انگشت لیس، بوجه، دز، دربند و هفت سواران و کوه‌های غربی مثل سه کوله، سه خواهران، شکسته، بیشه، بیشه علی، نثار، گوزیلرو پرگز توصیف شده‌اند. توضیحات مختصر ارائه شده در مورد کوه‌های فوق‌الذکر محدود به مکان جغرافیایی، چشمه‌ها، امامزاده‌ها، پوشش گیاهی، فاصله از سطح دریا، پوشش جانوری و مطالبی از این دست می‌باشد.

پایان کتاب به جدولی اختصاص یافته که به میزان قابل توجهی اطلاعات توصیفی را در خود جا داده است.

جلد دوم نامه کمره در پنج فصل تنظیم گردیده

است:

فصل اول: کبوتر خان‌های کمره، در این فصل اهمیت، زمینه‌های فرهنگی، شیوه ساختمان و تجهیزات، انواع، موقعیت جغرافیایی، آبادی و ویرانی، حریم، علل ویرانی، و نمونه استثنایی کبوترخان‌ها توصیف شده است.

فصل دوم: فرهنگ آب و هوایی در کمره است، باران، انواع باران و تقویم زراعی، اصطلاحات، پیش‌بینی، باران خواهی، باران بندی، پیوستگان باران،

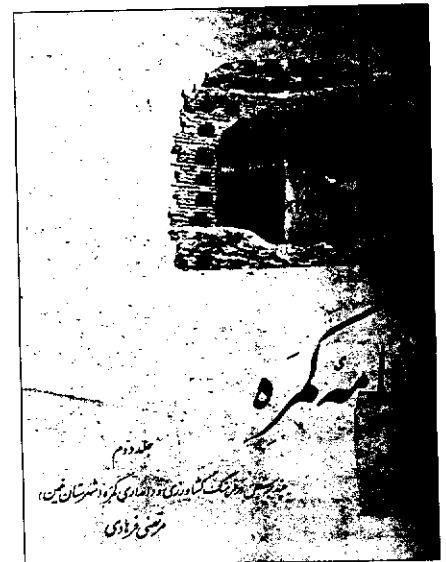
نامه کمره اثری است که به منظور معرفی جغرافیا و جغرافیای تاریخی کمره و معناشناسی نام برخی جای‌ها (در جلد اول) و معرفی برش‌هایی از فرهنگ کشاورزی و دامداری کمره (در جلد دوم) در دو جلد ۳۷۱ و ۳۳۴ صفحه‌ای از سوی انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است. نویسنده این اثر مهم دکتر مرتضی فرهادی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی است.

جلد اول نامه کمره از هفت فصل اصلی، یک ضمیمه و فهرست‌ها تشکیل شده است. فصول اصلی جلد اول به شرح ذیل است:

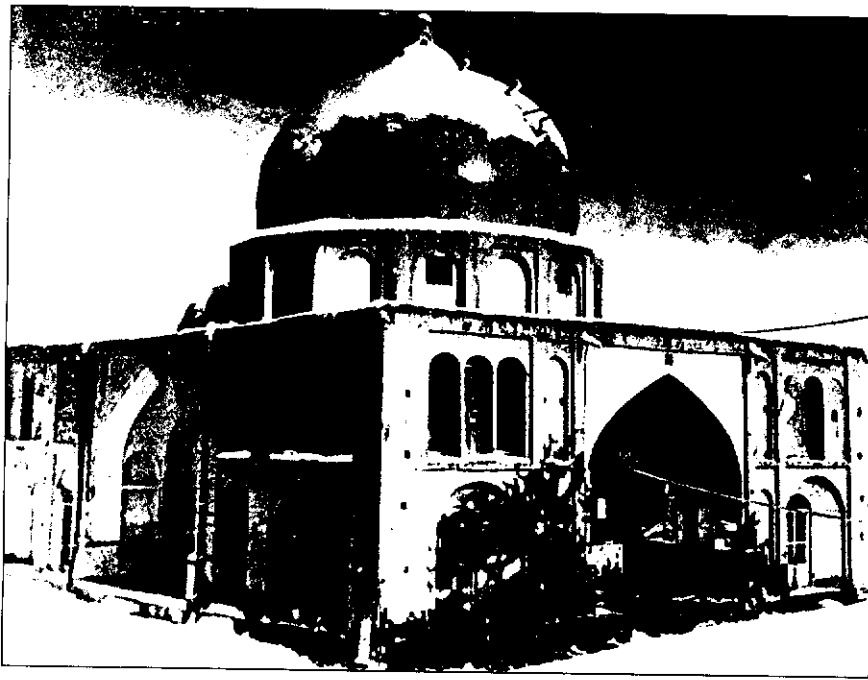
فصل اول: جغرافیای تاریخی کمره است که به ذکر وقایع تاریخی، جنگ‌ها، شرح نام‌ها، سبب نام‌گذاری تیمره و خمین، و توضیحاتی درباره خمین و کمره در سفرنامه‌ها و منابع متأخر می‌پردازد.

فصل دوم «کمره و خمین در روزگار ما» نامیده شده است. در این فصل کلیات و جمعیت، سواد و آموزش، کشاورزی، زمین‌شناسی، آب‌های سطحی و زیرزمینی، بهره برداری از قنات، چشمه و چاه، آثار اقتصادی اجتماعی شیوه‌های بهره برداری و تغییر در نظام مالکیت آب و شیوه بهره برداری از آب مورد توجه قرار گرفته است.

فصل سوم تا هفتم: در این پنج فصل دهستان‌های کمره مثل دهستان‌های رستاق، جاپلق شرقی، خمره لو، گله زن و دالائی معرفی شده‌اند. ساختار معرفی همه دهستان‌ها تقریباً یکسان است. دیه‌ها و کشتزارهای دهستان‌های مختلف تک به تک معرفی شده است. جمعیت، تعداد خانوار، وضعیت طبیعی، راه‌های ارتباطی، مقدار زمین زیر کشت بر حسب محصولات تولیدی مثل گندم (آبی، دیم)، جو، بن تن، تریاک، لبنیات، مراتع طبیعی، چاه



نویسنده ضمن معرفی اهمیت،
زمینه‌های فرهنگی - اقتصادی،
شیوه ساخت و نگهداری، انواع،
موقعیت جغرافیایی، آبادی یا ویرانی
کبوترخان‌ها، رابطه انسان و حیوان
به عنوان دو عنصر اکوسیستم
حیات طبیعی را توضیح می‌دهد و
نشان می‌دهد که این رابطه
چگونه موجب ظهور
اکوسیستم فرهنگی خاص خود
شده است



بازمانده‌ها، برف، پرگن کردن، پیش بینی برف و سرما، برف خواهی، انواع برف، ابر، باد، و تقویم آب و هوایی در این فصل مورد توجه قرار گرفته است.

فصل سوم: «وره» نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در کمره، به طرح ضرورت اقتصادی، وره و تقسیم کار، گزینش هموره، صفات خوش وره، تعداد شرکا، انتخاب، شروع، محاسبه، گردش شیروره، آداب داد و ستد، تعطیلات، نظارت اجتماعی و اخراج هموره اختصاص یافته است.

فصل چهارم: آیین‌ها و باورهای مشکه‌زنی در کمره، در این فصل موضوعاتی از بقیل، موقع و ابزار، صفات، به کارگیری، روزه، چله بری، بارکردن خندانن، کرای (کره)، دود کردن اسفند، کر شدن دوباره، چله بری دوباره و ترانه‌های مشکه توصیف شده است.

فصل پنجم: آلبوم تصاویر، در این فصل عکس‌های متعددی از موضوعات اجتماعی - فرهنگی شهر و روستاهای خمین آمده که برخی از آنها سیاه و سفید و برخی رنگی است.

در پایان جلد دوم کتاب در بخش ضمیمه بیست و هشت سند مختلف از کمره و روستاهای آن آمده است. فهرست‌ها بخش پایانی جلد دوم کتاب است که به کتابنامه، همکاران، راهنمایان، راویان، فهرست تصاویر، عکاسان، اسناد ضمیمه، جای‌ها و اصطلاحات و واژگان محلی و کلمات نشانه و راهنما اختصاص یافته است.

از معرفی اجمالی نامه کمره که بگذریم لازم است توضیحاتی درباره هر جلد از کتاب به طور جداگانه ارائه شود.

در باره جلد اول نامه کمره توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه این اثر در ادبیات

ویژه از نظر تاریخی و انسانی به دست آورد. در توصیف جغرافیایی مناطق مختلف کمره نویسنده زحمت‌کش اثر، از اطلاعات و آمار میرا که مربوط به سال‌های گذشته می‌باشد بهره می‌گیرد. اولاً این اطلاعات در گذشت زمان تازگی خود را از دست داده و از جذابیت اثر می‌کاهد در ثانی فاقد نکات بدیع و جدید است. این اطلاعات در سالنامه‌ها همیشه وجود دارد و مراجعان به سادگی به آنها دسترسی می‌یابند و در عین حال می‌توانند آن را با اطلاعات مشابه سایر نقاط مقایسه کنند. تغییر زمان و مکان اجتماعی، تغییر در شرایط تکنولوژیک، رویکردها، زمینه‌ها و امکانات مشارکت و شرایط آب و هوایی اطلاعات آماری را به تدریج ناکارآمد و نیاز به اطلاعات جدید را دوجندان می‌کند بنابراین این امر، ماندگاری اثر را با چالش روبه‌رو می‌سازد.

نویسنده محترم در اثر خود به ذکر جداولی اقدام نموده که به نحو مطلوبی بیشتر اطلاعات توصیف شده مربوط به مناطق مختلف را نمایش می‌دهد. مرور دقیق این جداول نشان دهنده آن است که این جداول می‌تواند جایگزین توضیحات مفصل جلد اول کتاب باشد ضمن آن که به روز کردن این جداول در چاپ‌های بعدی به مراتب ساده‌تر از تغییر متن کتاب است.

کسانی که با متون جغرافیایی قدیم آشنایی دارند، سبک کار نویسنده نامه کمره را مشابه آثاری چون اصطخری و مقدسی خواهند یافت با این تفاوت که در متون جغرافیایی قرون گذشته ردپای فرهنگ جوامع مورد بحث در لابه‌لای مطالب جغرافیایی به خوبی قابل پی‌گیری است در حالی که در این اثر پرزحمت این ویژگی کمتر به چشم می‌خورد.

فرهنگ‌شناسی اقوام در ایران جای مهمی را به خود اختصاص می‌دهد اما اهداف علمی آن روشن و واضح نیست. به علاوه اینکه انگیزه‌های شخصی، علائق و وابستگی نویسنده به گذشته منطقه‌ای که قبلاً در آن زندگی می‌کرده از جمله مهم‌ترین دلایل نمایان تدوین این اثر است. شفاف نبودن اهداف علمی این اثر در روش‌شناسی و جمع‌آوری داده‌ها به خوبی تأثیر خود را گذاشته و تنگنانهایی ایجاد کرده که در سطور بعدی به نظر خوانندگان می‌رسد.

بسیاری از مطالبی که در باره‌ی مناطق مختلف جغرافیایی کمره آمده از کتاب‌های جغرافیایی قدیم مثل مختصر البلدان ابن فقیه، البلدان یعقوبی، صورةالارض ابن حوقل، تقویم البلدان ابوالفدا و یا سفرنامه‌های قرون گذشته نقل شده هرچند که این اقدام در مطالعات تاریخی اجتناب‌ناپذیر است اما متأسفانه در نقل مطالب نه بین منابع مختلف مقایسه‌ای می‌شود و نه تحلیلی ارائه می‌گردد بلکه به ذکر عین جملات منابع اکتفا می‌شود. باید دانست ذکر آنچه در متون علمی جغرافیایی، تاریخی و یا سفرنامه‌ها آمده است بدون هیچ تحلیلی و توضیح تکمیلی چندان ضرورت یا فایده‌ای ندارد. همین که تحلیل ضروری به نظر نمی‌رسد خود دلیل خوبی بر بی‌نیازی مطلب به تکرار توصیفی است، بنابراین وقتی نقل قول کارکرد جدیدی ندارد ماندن مطلب در متن اصلی مفیدتر از نقل قول آن است. عدم مقایسه منابع و بی‌توجهی به تحلیل محتوای آنها در به کارگیری سایر منابع نیز به چشم می‌خورد و همین امر باعث شده تا در جلد اول این اثر پر زحمت نکته‌ای جدیدتر از آنچه در منابع قبلی ذکر شده، تولید نگردد. در حالی که با اندکی دقت در آثار گذشته می‌توان نکات بدیعی در جغرافیای مناطق به

از جمله اقدامات جالب نویسنده به کارگیری اسناد و مدارک و قباله‌ها و فهرست‌های جهیزیه و اموال، فتاوی‌ای علما دینی، قباله‌های خرید و فروش زمین یا باغ و غیره، شهادتنامه‌ها و... است. مردم‌شناسان تاریخی قدر این گونه اسناد را به خوبی می‌دانند. اما در به کارگیری این اسناد برای نگارش کمره ملاحظه می‌شود که اسناد و مدارک به خوبی بکار گرفته نمی‌شوند، در حالی که مطالعه ساختارشناسانه، نمادین و کارکردی این اسناد ارزش کار را دو چندان می‌کند. چه خوب بود این اسناد در ارتباط مستقیم با موضوع بحث به کار می‌رفت (مثلاً سند شماره دو صفحه ۱۹۲ معلوم نیست به چه مناسبت به کار گرفته شده است) بازنویسی می‌شد و شکل و محتوا، تفاوت و شباهت‌های آنها مقایسه و نکات بدیع در خور کمره از آن استخراج می‌گردید. مجدداً به دلیل اهمیت موضوع متذکر می‌شوم که مطالعه ساختارشناسانه این اسناد با ارزش می‌تواند بیانگر قواعد زندگی اجتماعی افراد جامعه صاحب این اسناد باشد. در اسناد به کار گرفته شده در نامه کمره می‌توان قواعد، موضوع، وار، شیوه تقسیم، اثاثیه، ابزار کار، دستورالعمل‌ها و... را استخراج و در معرض دید و استفاده دانشجویان و دانش‌پژوهان علاقمند قرارداد: به علاوه ریخت‌شناسی هنری این آثار از نظر خط، طراحی مهرها و حواشی و تزئینات بین سطور از اهمیت بسیاری برخوردار است. حتی مطالعه طبقات اجتماعی و تفاوت در اسناد ارمنی‌ها و مسلمانان که در یک فضا و مکان اجتماعی به سر می‌برند، از طریق اسناد مورد استفاده در نامه کمره قابل فهم است، اما بدان پرداخته نشده و جای آن را توصیف طولانی خصوصیت جغرافیایی مناطق اشغال کرده است.

بیشتر اطلاعات جغرافیایی ذکر شده درباره مناطق مختلف کمره برگرفته از دو اثر فرهنگ آبادی‌های کشور و فرهنگ جغرافیایی ایران است. همان طور که گفته شد این اطلاعات فاقد نکات بدیع و جذاب است. به نظر می‌رسد چنانچه نویسنده محترم به دسته بندی این مطالب در قالب جداول مشابهی که در کتاب آمده بسنده می‌کرد آنگاه می‌توانست در حوزه مفاهیم جغرافیایی انسانی تاریخی به طرح موضوعات مهمی چون گرایش‌ها، واحدهای اندازه‌گیری، شیوه‌های سازگاری اهالی مناطق مختلف با محیط جغرافیایی و بسیاری موضوعات دیگر که جای بحث در جغرافیا با رویکرد اجتماعی و تاریخی را داشت بپردازد. نویسنده محترم با دقت ویژه‌ای نشانه‌هایی از حیات ارمنی‌ها را در منطقه رقم زده است ولی در یک نگاه سطحی. این در حالی است که در این اثر مهم دو گروه دینی ارمنی و مسلمان ساکن در منطقه می‌توانستند از جهات مهمی چه از نظر شکل‌شناسی روستاها یا

نوع‌شناسی آنها با هم مقایسه شوند. حداقل در بخش کشاورزی این امکان وجود دارد که این گروه‌های دینی از نظر مناسبات کار، آداب و رسوم، باورها، شیوه‌های تولید و نحوه سازگاری با محیط با توجه به عقاید دینی خود مورد مقایسه قرار گیرند همان طور که مقدسی^۲ این کار را در مورد مسلمانان پیرو مذاهب مختلف در احسن التقاسیم رقم زده است.

نویسنده محترم در آغاز کتاب عنوان می‌کند که سعی دارد از پرداخت سطحی به مطالب گوناگون دوری کند. البته این تصمیم بسیار درست و جالب است اما محقق عزیز ما در جاهای متعددی از این قرار اولیه فاصله گرفته است. به عنوان مثال در صفحه ۲۷۷ جلد اول می‌آورد که «در ایران نامیدن جاها به نام درختان معمول بوده است» ولی توضیح نمی‌دهد که چرا؟ چه گیاهانی؟ و در نهایت فرایند این نام گذاری را در پرده ابهام باقی می‌گذارد. در مورد باورها و ابعاد فولکلوریک برخی نواحی هم چنین پرده ابهامی آویزان است.

در این زمینه می‌توان به نمونه دیگری نیز اشاره کرد. مرور اطلاعات جغرافیایی نشان می‌دهد که اکثر مناطق کمره دارای قنات است. حفر قنات در ایران به ویژه در مناطق مرکزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین پرداختن به شیوه‌های حفر، کارکردها، نظام بهره‌وری و اقتصاد، باورهای مردمی مربوط به قنات منجر به تولید اطلاعاتی با ارزش می‌شد که تقویت علمی مطالعات فولکلوریک راکه از دغدغه‌های همیشگی نویسنده نامه کمره می‌باشد موجب می‌گردد.

بحث در باره کندها از نظر نوع‌شناسی، شکل‌شناسی، ساختارشناسی و کارکردی موضوع دیگری است که در این گونه مطالعات جغرافیایی - فرهنگی نسبت به مطالعه جغرافیایی فرهنگنامه‌ای ارجحیت دارد.

هنگام بررسی روستای ارمنی لیلان یا لاکان بحث درباره قالی به صورت ناقص مطرح می‌شود. واقعاً این پدیده در این کتاب جای بحث بیشتری داشت. تولید فرش به عنوان یک تولید مادی و غیر مادی با سازندگان ارمنی و مسلمان بهترین عرصه برای بحث درباره نحوه سازگاری با محیط فرهنگی طبیعی است. نحوه ایده گرفتن از محیط متناسب با عقاید دینی، مقایسه طرح‌ها، شیوه‌های تولید و بافت، مناسبات تولید و سایر جنبه‌های تولید فرش بین این دو گروه دینی در یک فضای واحد اجتماعی به زیبایی می‌تواند بیانگر کنج‌های اکولوژیک فرهنگی باشد.

از جمله عناصر بسیار مهم و جذاب برای مطالعه جغرافیایی مناطق توجه به کوهها، سنگ‌ها، غارها، درختان و گیاهان مقدس است. این عناصر در

نظام سازگاری مردم با محیط نقش مهمی ایفا می‌کنند. و وابستگی به آنها ضریب مقاومت مردم را در اکوسیستم طبیعی افزایش می‌دهد و به دنبال آن انسان‌ها با تغییر محیط به ساخت اکوسیستم‌های مصنوعی حیات جمعی می‌پردازند که عناصر فولکلوریک مثل طب سنتی از آنها نشأت می‌گیرد. این موضوع نیز نسبت به توصیف فرهنگ جغرافیایی آبادی‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است که جای آن در اثر پرکار نامه کمره خالی است.

و نکته‌ی آخر درباره جلد اول مربوط به شهر و روستاهای مورد مطالعه است. شهرها و روستاها از نگاه انسان‌شناسی شهری و روستایی موضوعاتی مهم هستند که بخشی از موضوعات مربوط به آنها در آثار جغرافیایی انعکاس می‌یابد. شهرها و روستاها چه در معماری سنتی، چه جدید دارای خصوصیات هستند که با محیط جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی جوامع خود روابط تنگاتنگی دارند. این امر خیلی مهم و ضروری است که نویسنده محترم به آنها اشاره‌ای نمی‌کند. دروازه‌های ورودی، خروجی، برج و باروها، اصطبل‌ها، کاروانسراها، مساجد (احتمالاً مساجد جامع) کلیساها، قلعه‌ها، بازار یا بازارچه (چه ثابت چه هفتگی یا فصلی) و موضوعات دیگری از این دست می‌بایستی مورد توجه قرار می‌گرفت.

در پایان باید گفت جلد اول نامه کمره علیرغم تمامی زحمات طاقت فرسایی که برای آن کشیده شده است، می‌تواند مکملی برای فرهنگ آبادی‌های کشور یا فرهنگ جغرافیایی ایران به حساب آید. اما جلد دوم نامه‌ی کمره به چند برش در فرهنگ کشاورزی و دامداری کمره اختصاص یافته است. جلد دوم اثری مردم‌نگارانه است که تا حدودی از چارچوب آثار پیش از خود تبعیت کرده است. نویسنده در الگوی سنتی مطالعات مردم‌نگارانه به خوبی از عهده پرداخت موضوعات فرهنگی مورد نظر برآمده و توصیفات نسبتاً دقیقی را ارائه کرده است.

در فصل اول جلد دوم کبوتر خان‌های کمره چه از نظر فرهنگی، چه اقتصادی و چه تکنولوژیک با ظرافت تشریح و ریزه‌کاری‌های مربوط به عناصر مادی و غیر مادی این پدیده فرهنگی از نگاه کنشگران کالبد شکافی شده است. نحوه دخالت و به کارگیری کبوترخان‌ها در اقتصاد کشاورزی و همچنین انعکاس آن در باورهای مردمی به نمایش گذاشته شده است، در این فصل رابطه انسان با کبوتر با دقت مورد توجه قرار گرفته و نویسنده ضمن معرفی اهمیت، زمینه‌های فرهنگی - اقتصادی، شیوه ساخت و نگهداری، انواع، موقعیت جغرافیایی، آبادی یا ویرانی کبوترخان‌ها، رابطه انسان و حیوان به عنوان دو عنصر اکوسیستم حیات طبیعی را توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد که این رابطه

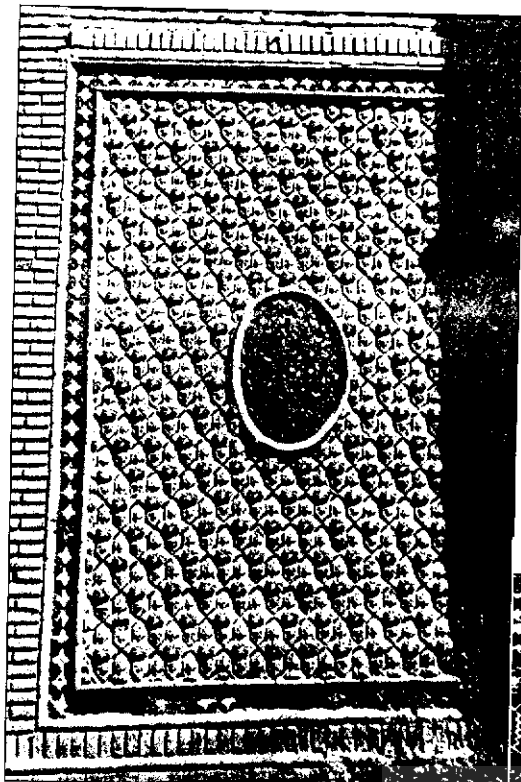
چگونه موجب ظهور اکوسیستم فرهنگی خاص خود شده است. به نحوی که کنش متقابل انسان و کیوتو حیات کیوتو را حفظ و منافع اقتصادی انسان را از طریق تامین کود مورد نیاز تامین می گرداند. نویسنده به خوبی انعکاس حضور کیوتو و کیوتو ترخان ها را بر باورهای مردم منطقه ترسیم کرده است. طرح ها و عکس های تهیه شده تا حدود زیادی به عینیت بخشیدن به اطلاعات عرضه شده مربوط کمک کرده است.

در فصل دوم جلد دوم فرهنگ آب و هوایی در کمره بررسی شده است. باران از نظر انواع (متناسب با فصل و تقویم زراعی)، واژگانی مربوط به میزان بارندگی، پیش بینی در مورد باران، باران خواهی، باران زیادی و باران بندی پیوستگان باران، بازمانده های باران، برف، پیش بینی برف، برف خواهی، انواع برف، اصطلاحات و واژگان، ابر، انواع ابر، باد، انواع باد، اصطلاحات وزیدن باد و هوا مورد بحث قرار گرفته است. همچنین تقویم آب و هوایی و تقسیم بندی فصل ها و باورها و آداب و رسوم مربوط به آنها توضیح داده شده است.

در مورد فصل دوم جلد دوم ذکر چند نکته ضروری است. اول این که از نگاه فرهنگ شناسی و بوم شناسی آب در پیدایش فرهنگ و تمدن بشر نقش مهمی دارد تا آنجایی که بوم شناسان از تمدن های آبی یاد کرده اند بنابراین ضروری به نظر می رسد تا مبحث آب، برف، باران و... با مقدمه ای همراه می شد که نشان دهنده ی دخالت آب در شکل گیری فرهنگ و تمدن منطقه باشد. حضور آب منجر به وجود آمدن تکنولوژی حفر چاه، ذخیره سازی آن، سیستم های آبیاری، پیدایش آسیاب ها و... شده است و از طرف دیگر کمبود آب، تکنولوژی حفر قنوت، شیوه های آبیاری گوناگون (کوزه ای و...) کشت دیم و تغییر مصنوعی در فلور گیاهی و جانوری را موجب شده است که این ها از جمله دست آوردهای حضور یا عدم حضور آب در زندگی انسان است.

نکته دیگر این است که اطلاعات مربوط به آب، برف، باد و هوا در مواردی توأم با توضیح جنبه هایی از باورها و آداب و رسوم مربوط است، مثلاً باورهایی درباره باران، برف و یا باد. اما عمده بحث بیشتر به صورت یک دایره المعارف واژگان و اصطلاحات مطرح گردیده است. در صورتی که به نظر می رسد اگر با دیدگاه نظری خاصی به این موضوعات نگریسته شود نتیجه آن دست یابی به مجموعه ای از اطلاعات تحصیلی خواهد بود که ضمن معرفی فرهنگ منطقه می تواند کاربردهای آموزشی فراوانی نیز داشته باشد، تقویم آب و هوایی و به صورت کلی تر گاه شماری در مناطقی که محیط طبیعی از عمران و آبادانی چندانی برخوردار نیست.

از نگاه فرهنگ شناسی و بوم شناسی، آب در پیدایش فرهنگ و تمدن بشر نقش مهمی دارد تا آنجایی که بوم شناسان از تمدن های آبی یاد کرده اند



مانند مناطق کویری و مرکزی ایران) بسیار اهمیت دارد. برای این که فرصت های بهره وری کم و محدود می باشند و رفتار منظم با طبیعت امکان بهره وری مطلوب از امکانات محدود را افزون می نماید. بنابراین مناسب این است که اطلاعات به صورتی دقیق تر تدوین می شد تا کنش مردم کمره در ارتباط با آب و هوا و سایر مسائل به خوبی قابل تشخیص باشد و خواننده بتواند ربط اتنوگرافیک آنها را با تولید عناصر حیات فرهنگی به خوبی درک نماید. البته یک نکته قابل توجه در این مبحث به چشم می خورد که مربوط به بخش بندی فصل هاست که این اقدام موجب توصیف پاره ای از عقاید عامه و فولکلوریک جامعه مورد مطالعه شده است که به نوبه خود از اهمیت فولکلور شناسانه ولو در

سطحی توصیفی برخوردار است. فصل سوم به شکل گیری نوعی فعالیت اقتصادی تحت تاثیر فعالیت های دامداری اختصاص یافته است. «وره» نوعی تعاونی تولید زنان است؛ در این فعالیت زنان منطقه شیرهای خود را به محل خاصی می برند و پس از رعایت قواعد و اجرای آداب و رسومی خاص، مقدمات تولید کره از شیر را به وجود می آورند. علاوه بر ابعاد اقتصادی قوانین اجتماعی ویژه ای بر این فعالیت مترتب است. این فعالیت به دلیل گروهی و مستمر بودن توانسته است در زندگی مردم کمره آثار فرهنگی خود را به جا بگذارد.

این فصل بر عکس فصل قبلی که عمدتاً به تعریف واژگان اختصاص داشت به شیرویه به عنوان



فعالیتی جدی می‌پردازد و تمامی مراحل، ابزار دست‌اندرکاران، باورها و عقاید، تا حدودی نظام بهره‌وری، تقسیم کار، شرایط اعضا، شرایط یک شیرویه یا شرکا مناسب و طریقه و ابزار لازم برای محاسبه شیر را به دقت معرفی می‌نماید. نکته قابل ذکر این است که نویسنده با دقت به ذکر نام‌های محلی ابزار یا آداب و رسوم پرداخته و آوانگاری‌های مناسب آنها را نیز عرضه داشته که موجب تسهیل در تلفظ کلمات محلی و جذابیت بیشتر متن شده است. در فصل سوم صفحه ۸۷ و فصل چهارم صفحه ۱۰۷ به موضوع تقسیم کار در مشکله‌زنی اشاره شده است. نویسنده معتقد است وره فعالیتی زنانه است و زنان به دلیل منافع اقتصادی حاصل از وره علاقه‌ای ندارند که مردان سر از کار آنها در بیاورند. نویسنده احتمال می‌دهد که زنان در فروش محصولات شیرویه احتمالاً استقلال دارند.

در اینجا باید توجه داشت که پرس و جوهای میدانی به راحتی پاسخگوی این پرسش خواهد بود و پاسخ‌های احتمالی را به یقین تبدیل می‌کند. نکته دیگر این است که در نظام حیات روستایی ایرانی، نظام اقتصادی پدرسالارانه حاکم است و همه ابزار تولید، زمین، دام و محصولات ناشی از آن به رئیس خانوار تعلق دارد. هنوز در بسیاری از روستاهای ایران، در استان‌های مختلف خانواده گسترده وجود دارد و اقتصاد اشتراکی به ریاست رئیس خانوار یعنی پدر فعالیت‌های تولید کشاورزی، دامداری و پرورش طیور را انجام می‌دهد. هنوز در بسیاری از روستاها برای تهیه غذای اعضا خانواده یک اجاق روشن و یک دیگ بر آن بار است. ضمن آن که زنان و دختران مانند پسران و در موارد بسیاری عروس خانواده نیروی کار پدر به حساب می‌آیند.

بنابراین اقتصادی مستقل از نظام اقتصاد عمومی خانواده آن هم برای زنان جامعه روستایی اندکی تامل برانگیز است. امروزه پژوهش‌های مردم‌شناختی چه در جوامع شهری چه روستایی نشان می‌دهد که در بسیاری از جوامع زنان علاقمند به نوعی بخشی از اقتدار خانواده را در اختیار داشته باشند لذا علاقه‌ای ندارند مردان در حوزه فعالیت‌های آنها وارد شوند. زیرا در این صورت از اقتدار آنها در خانواده کم می‌شود. مثلاً ناراضی‌تبی زنان نسبت به دخالت در امر بچه‌داری می‌تواند مثالی برای این ادعا باشد. به علاوه وره می‌تواند (که البته چنین هم هست) علاوه بر این که جمعی برای فعالیت و تولید فرآورده‌های شیر می‌باشد محلی برای طرح مسائل زنانه، درد و دل کردن‌ها و حتی توطئه‌های غیر اقتصادی زنان بر علیه مردان باشد. لذا ورود مردان این فضای امن را به هم می‌زند و جهت‌گیری گفتمان‌های خاله رنگ‌گونه و ضد مردانه را تغییر می‌دهد. این امر موجب مخالفت

زنان یا دخالت مردان در امور مربوط به این محفل زنانه می‌شود.

توجه به یک نکته روش‌شناسانه دیگر درباره جلد دوم ضروری است. این نکته مربوط به عدم پایداری مرزهای جامعه مورد تحقیق، در این اثر خوب است. بسیاری از پژوهشگران مردم‌شناس سعی می‌کنند در جامعه‌ای به مطالعه بپردازند که مرزهایی مشخص داشته و موضوع مطالعه نیز معلوم باشد. در نامه کمره دائماً نام روستاها تغییر می‌کند و رسم‌های مختلف مطرح می‌گردند و یا این که استثنائاتی بر آن وارد می‌شود. گاهی از روستای امام زاده بوجان، گاهی وراآباد، گاهی بیلاق و... نام برده می‌شود که این پراکندگی مکان تحقیق خود می‌تواند از نظر روش‌شناسی اشکالی به بار آورد. همین نکته که در سراسر کتاب بارها به چشم می‌خورد دلیل خوبی برای ضروری بودن توجه انسان‌شناسان به جوامع کوچک و محدود است تا بتوانند با مطالعات ژرفایی خود به اطلاعات لازم و مورد نیاز دست یابند.

با وجود این فصل سوم و چهارم به عنوان یک اثر مردم‌شناسانه توانسته‌اند بخشی از دانش عامه (Folk Science) کمره را در زمینه شیرویه یازنمایی کنند. اگر دقت شناخت فن و تکنیک خوبی که در وره به کار رفته در آب و هوا هم به کار می‌رفت بی‌تردید بخشی دیگر از دانش عامه منطقه به صورت جدی‌تری رقم می‌خورد.

اما در جاهایی از فصل چهارم ریشه‌یابی شکل‌گیری باورهای عامیانه در مورد شیرویه و مشکله زنی به زمانی دیگر واگذار شده است. البته ضروری است این اقدام مهم در همین اثر انجام می‌گرفت و این پژوهش علمی از جامعیت بیشتری برخوردار می‌گردید. همان طور که در اینجا خلا وجود آن احساس می‌گردد، در جای دیگر ممکن است طرح آن زائد و نار کارآمد باشد. همین نقصان روشن‌شناختی درباره نام‌های گوناگون شیرویه یا وره نیز صادق است. بی‌تردید در انجام فعالیت‌های مربوط به مشکله‌زنی هر باور کارکرد خاص خود را دارد، پرتاب سنگ به آسمان، نشان دادن ظرف به آسمان و سایر باورهای موجود یا منشا انسانی دارند، یا طبیعی و یا متافیزیکی که تبیین آنها در رابطه با کنش مشکله‌زنی می‌تواند منشا اطلاعات باارزش انسان‌شناختی باشد. به علاوه تحلیل و تبیین این باورهای سه‌گانه در ارتباط با چگونگی شکل‌گیری و به کارگیری دانش عامه از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در جایی از فصل چهارم گفته می‌شود که مشکله عروس است و به دنبال این باور نکته‌های فرهنگی یکی پس از دیگری جوانه می‌زند و تولید می‌شود. از طرف دیگر می‌دانیم که عروسی‌های

مجازی در بین شخصیت‌های اسطوره‌ای بسیار شایع است و این نوع خویشاوندی‌های مجازی موجب بروز وحدت‌های ویژه اجتماعی و فرهنگی از یونان تا ایران و هند شده است. بی‌گیری قصه عروس بودن مشکله خیلی سطحی انجام می‌شود و در میانه راه رها می‌گردد. در صورتی که به نظر می‌رسد مطالعه سمبولیک آن، استعداد عرضه اطلاعات متنوعی در خصوص دخالت این عروس بودن در همبستگی اجتماعی را خواهد داشت.

فصل پنجم جلد دوم یکی از مهم‌ترین فصل‌های این اثر دوجلدی است که به آلبوم عکس‌های رنگی و سیاه و سفید اختصاص یافته است. این تصاویر به نوعی بخشی از کار را به سبک مردم‌شناسی بصری یا تصویری عرضه کرده است. پاره‌ای از تصاویر بسیار دقیق و در نگاه‌های دقیق مردم‌شناسانه، موضوعات مورد نظر را به ذهن متبادر می‌سازند. این تصاویر از موضوعات متنوعی برخوردارند و ظاهراً برحسب عناوین جلد‌های مربوط به خود طبقه‌بندی شده‌اند.

بی‌تردید این فصل بسیار مهم است و ارزش روش‌شناختی آن بر کسی پوشیده نیست اما ذکر چند نکته نیز در اینجا ضروری است. بخش تصاویر حاوی یک مجموعه عکس است که دقیقاً با متن در ارتباط است و به جذابیت و فهم بهتر متن کمک می‌کند. اما برخی عکس‌ها به تنهایی در پایان کتاب آمده و در متن درباره آنها هیچ توضیحی وجود ندارد و یا اگر هم توضیحی وجود دارد، مختصر، ناقص و اندک است. مثلاً عکس‌هایی درباره کودکش، بیل‌زدن، قلعه، چهره و (عکس‌های ۷۷ تا ۷۹) وجود دارد که هیچ ربط منطقی بین متن و آنها به وجود نیامده‌است. البته این نکته نیز قابل ذکر است که عکس‌هایی که برای فهم بهتر موضوع مفید باشند نیز در بین این عکس‌ها وجود دارند ولی می‌بایستی در متن اصلی و در جای مناسب می‌آمدند تا بیشترین اثر را داشته باشند و درفانی ارزش مردم‌شناختی بودن آنها حفظ می‌شد. در انسان‌شناسی بصری فیلم‌ها و عکس‌ها هر کدام ارائه دهنده موضوعاتی مهم خاص و فرهنگی هستند. عکس‌هایی که نتوانند به غیر از خاطرات ایام جوانی موضوعی دیگر را به ذهن انسان‌شناس متبادر سازند از مجموعه عکس‌ها بیرون می‌روند که این قاعده روش‌شناختی نیز در تنظیم آلبوم عکس‌های کمره رعایت نشده است.

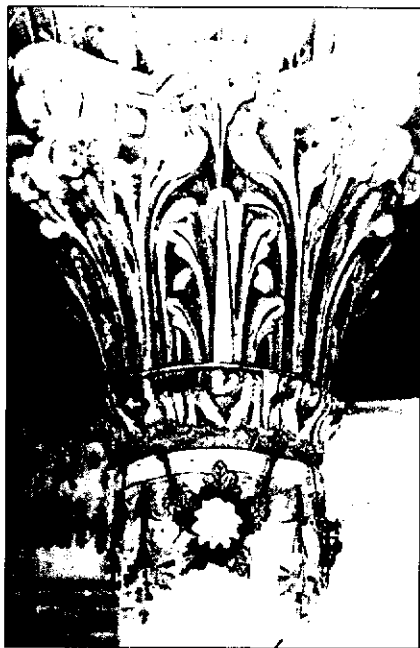
برخی عکس‌ها نیز از نظر فنی اشکالاتی دارند عکس‌هایی که به منظور معرفی چهره یا خصوصیات درب‌های ورودی بازار، منزل، مسجد و... به کار گرفته می‌شوند ضرورتاً از نمای نزدیک برداشته می‌شوند تا معرف خصوصیات خاص مورد نظر باشند مثلاً در عکس شماره ۸۱ موضوع چهره



«وره» نوعی تعاونی

تولید زنانه است؛

در این فعالیت زنان منطقه
شیرهای خود را به محل خاصی
می‌برند و پس از رعایت قواعد و
اجرای آداب و رسومی خاص،
مقدمات تولید کره از شیر را
به وجود می‌آورند



شناختی جامعه مورد مطالعه است، شرایط روستاهای گوناگون از نظر اقلیم، پوشش گیاهی، نوع دام، جمعیت، دین و... توجه دقیق به اکنون مردم شناختی در حوزه مطالعاتی کمره را دو چندان می‌کند.

به نظر ملوین هریس مردم‌شناسی از درون، مطالعه‌ای به دور از تحلیل است و نتایج چنین اطلاعاتی صرفاً توصیفی است. بنابراین با عدم دستیابی به تحلیل، دگرگونی‌های درون فرهنگ مورد مطالعه ناشناخته باقی می‌ماند و این اتفاق برای کمره هم رخ داده است.

البته اینها تراش‌هایی است که به کار نویسندگان بزرگ وارد می‌شود و هرگز از ارزش و اهمیت آنها نمی‌کاهد. شخصاً به عنوان یک مردم‌شناس اثر نامه کمره را چندبار خواندم و مرور کردم و لذت بردم. آنچه در اینجا عرضه شد برای آن است که اگر مورد نظر و دقت محققان قرار گیرد، بتواند منشا توجه به نکات جالب‌تری در کارهای بعدی باشد.

منابع:

- ۱- مقدسی ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (دو جلدی) ترجمه علیقلی منزوی تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- ۲- همان.
- ۳- داسمن ر. ف. (۱۳۶۳)، زمین در خطر است، ترجمه محمود بهزاد، تهران، سپهر.
- ۴- Book K philip (۱۹۷۴)، Modern cultural Anthropology, New Yourk, Alfred Knopf.
- ۵- پلتو پرتی. ژ (۱۳۷۵)، روش تحقیق در انسان‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.

طریق تعریف و توصیف خود کنشگران انجام می‌شود و مردم‌شناسان (احتمالاً بومی) به اعتماد این که خود ساکن و اهل منطقه بوده و هستند به توصیف پدیده‌ها می‌پردازند لذا در این رویکرد طبقه‌بندی‌های میان فرهنگی و مقایسه‌ای دیده نمی‌شود. در این صورت گزارش‌های تهیه شده در سطح مردم‌شناسانه باقی مانده و به دشواری به سطح انسان شناختی وارد می‌گردند، زیرا به قول بواس در این رویکرد ضابط کلمه به کلمه و حفظ معنای اصیل یا بومی مهمترین انتظار از «رویکرد از درون» است تا محقق بتواند مانند علوم طبیعی هر چیز را در جای خود نشان دهد. در حالی که در «رویکرد از بیرون» محقق با دور شدن از پدیده و بافاصله گرفتن از آن امکان به کارگیری رویکرد مقایسه‌ای، بین فرهنگی و انتقادی را دارد که منجر به تولید اطلاعات جدید علمی نیز می‌شود. شخصاً اگر انتظار گزارشی انتقادی از نامه کمره را نداشته باشم ولی معتقدم اگر مطالعه در ترکیب‌های حوزه‌های خاص و همگن فرهنگی صورت می‌پذیرفت مطمئناً اطلاعات نابی به دست می‌آمد که از جذابیت انسان شناختی به معنای اخص کلمه نیز برخوردار می‌شد.

اکنون مردم‌شناسانه‌ی Ethnographic present

نامه کمره یعنی ثابت نگه داشتن زمانه پژوهش و مکان خاص، دائم در تغییر است. در نامه کمره نقطه‌ای خاص مطالعه نشده بلکه نقاط متنوع مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین نویسنده دائماً به محل‌های دیگر و حتی برخی جاهای ایران سرک می‌کشد و اطلاعات ذی‌قیمت خود را با روش نامناسبی به کار می‌گیرد.

این به دلیل عدم ثبات مرزهای اکنون مردم

یک نوجوان است که از نمای دور گرفته شده و به هیچ عنوان به کار معرفی چهره نمی‌آید. به علاوه هیچ ربطی به محتوای متن ارجاعی در ص ۹۶ جلد اول ندارد. لذا تعداد زیاد این‌گونه تصاویر و عکس‌ها و انقطاع اتنوگرافیک بین متن و عکس چنین حکم می‌کند که محققان مردم‌شناس اولاً از عکس‌هایی بهره‌گیرند که از نظر فنی خصوصیات لازم را داشته باشند در ثانی عکس‌ها با متن مرتبط و در جای اصلی و مناسب خود در متن جا می‌گیرند.

در مجموع باید یادآوری کرد که کار مطالعه برش‌های فرهنگی همان‌طور که از نام آن پیداست بهتر است در محیط‌های محدود با مرزهای معین و زمان و مکان اجتماعی کاملاً متمایز^۱ از دیگر جای‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. همان‌طور که پلتو انسان‌شناس نیز معتقد است دهکده‌ها یا شهرک‌ها نظام‌های اجتماعی شبه مستقل یا کاملی‌اند که بیشتر متغیرهای مهم تاثیرگذار بر رفتار گروه را می‌توان در چارچوب نظام محلی آنها پیدا کرد.^۲ البته نویسنده نامه کمره نسبت به نویسندگان آثار مشابه قبلی با موفقیت بیشتری به محدود کردن حوزه مطالعه به ویژه در جلد دوم پرداخته است. ولی هنوز تحدید موضوع جلد دوم نیاز به چکش کاری‌هایی دارد. به نظر می‌رسد برای چنین مطالعه‌ای توجه به ترکیب‌های فرهنگی خاص ضرورت ویژه‌ای دارد. با چنین تمهیدی محقق نامه کمره می‌توانست با دقت بیشتری به طبقه‌بندی مردم‌شناختی داده‌های خود بپردازد.

نامه کمره با بکارگیری «رهیافت از درون» یا مردم‌نگاری نوین یا Emic انجام شده است. رهیافت از درون اساساً برای یک زمان و یک فرهنگ خاص اعتبار دارد. مردم‌نگاری نوین از